

مجله کارآفرینان و مدیران
ویراسته‌شده توسط کتاب‌روان
تابستان ۱۴۰۱
شماره دومین

پنج‌جمله خلاقیت

انگوشه‌های یک استارت‌آپ موفق برای کارآفرینان ایرانی
برندینگ شخصی برای کارآفرینان چگونه باشد
فست‌فودس چگونه دنیای کسب‌وکار را زبرورد می‌کند
۱۰ ویژگی رهبران موفق از نگاه هیراهان نوبسی
موفقیت ارتباطی برای درونگراها
بزرگ‌ترین درسی که می‌توان در زندگی یاد گرفت
«گرت کاردون» از ۳ اشتباه بزرگ فروشندگان می‌گوید
شترنده بازاریابی مستقیم در اینستاگرام

**چکیده‌ی
«رایینز» بودن**

یک خلاصه‌ی کامل
از کتاب ۸۰۰ صفحه‌ای جدید
«آنتونی رایینز»

ضمیمه‌ی
#کارآفرین_شمن



ketabTala

ویژمانامہی کتاب رونق / تابستان ۱۴۰۱

شمارہی مسلسل: ۲۳۳

khalaghiyat.com

کار آفرینی

مدیران

فکر خلاق

بازاریابی

فروش

کار آفرین شدن

کتاب

پنج جلد خلاقیت

مدیر مسوول: سردبیر:

محمد مہدی ربانی حسین یاغچی

دبیر شورای سیاست گذاری: سعید روینده

مدیر هنری: محی الدین میرزایی

دبیر سرویس بین الملل و ترجمہ:

مریم ولی پور نور علی

ویراستاری:

ارمغان نیلی، آزاده چیدری و بہارہ گائینی

آدرس:

خیابان سہروردی شمالی، کوچہ بیشہ، بلاک ۳،

طبقہ ۳، واحد ۶

تلفن: ۸۶۰۲۳۷۱۱

روابط عمومی: ۸۶۰۲۳۸۱۱

چاپ: نینوا



khalaghiyatmag



khalaghiyat
magazine



p.khalaghiyat

پادداشت سردبیر / ۲۱ / تهیه چکلیست در زندگی و کسبو کار / ۱۰ / حدیث کار آفرینی در هنگامه بحران‌های اقتصادی / ۱۶ / چرا دوست داشتن خویش، این همه در کار آفرین موفق شدن موثر است / ۲۰ / الگوهای یک استارت آپ موفق برای کار آفرینان ایرانی / ۲۳ / کار آفرینی و قصه متفاوت ایران / ۲۵ / برنده‌بندگ شخص برای کار آفرینان چگونه باشد / ۲۷ / «متاورس» چگونه دنیای کسبو کار را زبرد و خواهد کرد / ۳۰ / تحول واقعی در کسبو کارهای ایرانی چگونه اتفاق می‌افتد / ۳۳ / مزیت کوچینگ برای کسبو کار / ۳۵ / ویژگی رهبران موفق کسبو کار / ۴۰

چرا تجارت، داستان یک رقابت است / ۵۰ / مدیریت نتیجه بخش چگونه آموزش می‌خواهد / ۵۳ / الگوهای جدید سیستم سازی برای کسبو کارها / ۵۶ / فرصت‌ها و ریسک‌های ژئوپولیتیک در سرمایه گذاری / ۶۰ / یک راهنمای ساده برای ارتباطات سودمند در مجامع تجاری / ۶۲ / تقابل‌های باختم، باختم در دنیای مدیریت، با نگاه به جنگ روسیه - اوکراین / ۶۶ / یک استراتژی برنده برای بازی ساخت یک کسبو کار / ۷۱ / راهکارهای مدیریت موفق برای خلق تیم کاری با انگیزه / ۷۶ / قضایای برای رشد کارمندان فراهم کنید / ۷۷ / چگونه شرکتهای اعجاب برانگیز می‌توانند یک محیط صمیمی داشته باشند / ۷۹

معرفی یک راهکار منظر برای کامیابی / ۸۲ / چگونه برای اهداف خود، نقشه اجرایی طراحی کنیم / ۸۸ / موفقیت از تپانوی برای درونگراها / ۹۱ / با الگو هدایت کنید / ۴ عنصر الهام واقعی / ۹۲ / بزرگترین درسی که می‌توان در زندگی یاد گرفت / ۹۷ / چگونه هویت سازمانی خود را بسازید / ۱۰۶ / ۸ عادت بولی نروتمندان که شما امروز می‌توانید دنبال کنید / ۱۰۹ / با این ۱۱ مورد یک زندگی واقعی را تجربه کنید / ۱۱۳ / ۶ ذهنیت که یک رهبر را از رهبران دیگر متمایز خواهد کرد / ۱۱۶

۵ ترند بازار برای مستقیم در اینستاگرام / ۱۲۰ / تجربهای فراتر از محصول و کلام در برند / ۱۲۳ / ویژگی‌های عصر ضد بازار برای / ۱۲۶ / گام برای تبدیل شدن به یک ستاره در بازار برای / ۱۳۰ / چگونه یک رویداد در مورد محصول را اجتماعی کنیم / ۱۳۱ / راهکارهای طلایی برای خلق یک محصول موفق در بازار / ۱۳۷

اگر می‌خواهید در فروش حرفه‌ای شوید - / ۱۴۲ / چطور یک فروشنده آماتور می‌تواند به فروشنده حرفه‌ای تبدیل شود / ۱۴۶ / ۳ اشتباه بزرگ سازمان‌های فروش و فروشنده‌گان / ۱۵۰ / خدمت به مشتری ایده آل شما با درک انگیزه خرید آنها شروع می‌شود / ۱۵۸ / وقتی نمی‌توانیم روبرو ملاقات کنیم چگونه مذاکره کنیم / ۱۶۳ / ۵ عادت که به شما کمک می‌کند عدم پذیرش را به خوبی مدیریت کنید / ۱۶۶

چرا کار آفرین شدن مهم است / ۱۷۲ / نکات مهم کردن یک سرمایه گذار برای سرمایه گذاری روی یک ایده / ۱۷۵ / تسلط بر بازی درونی خود / ۱۷۸ / چرا فرهنگ سازمانی هرگز یک کسبو کار عالی ایجاد نخواهد کرد / ۱۸۲ / ۵ دلیل شاید تصمیم بگیرد کسبو کارتان را کوچک نگاه دارید / ۱۸۶ / سو.تفاهم دستمزد در مورد جادوگران رشد کسبو کار / ۱۸۸ / ابتکار و نتیجه گیری‌ها در مورد ثروت / ۱۹۲ / از مایکل گویر بپرسید چرا بیشتر کسبو کارهای کوچک جواب نمی‌دهند / ۱۹۴ / ۳ عامل عمده در رشد ارزش کسبو کار / ۱۹۷

سوسیالیسم قاتل کار آفرینی



حسین باغچی

شاید درست نباشد از محصول همان تعریف کنیم، ولی محض نکات مهم دیگری که می‌خواهم در ادامه‌ی این یادداشت مطرح کنم، باید بگویم که ما دست‌اندرکاران مجله‌ی پنجره‌ی خلاقیت معتقدیم مطالب درج‌شده در این شماره، اگر به کار گرفته شود، می‌تواند تأثیری بی‌نظیر در بهبود روند کسب‌وکارهای خرد و متوسط در کشور به جای بگذارد. مطالبی که در ادامه می‌خوانید علم روز دنیای تحول‌فردی و سازمانیست که تأثیر خود را در نتایج فرد، از جمله در کسب‌وکارش نشان می‌دهد؛ و در نگاه معقول و استاندارد باید گفت که مگر اقتصاد چیست جز همین کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که با بازدهی روزافزون و پایدارشان، رشد نمایی کلیت جامعه را رقم می‌زنند یعنی تسری فعالیت انسان‌هایی سازمان‌یافته و متحول که به‌عنوان کارآفرین و فرد حرفه‌ای می‌شناسیم که عمرشان را آموختنند و آموخته را به کار بسته‌اند.

منتها کاش ماجرا به همین سادگی بود که گفتیم. کاش اقتصاد و معیشت جامعه‌ی ما برآیند دستاوردهای کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ و متوسط بود و ایشان با آموزش و خلاقیت، بازارهای محلی و ملی و بین‌المللی را فتح می‌کردند و نام ایران را به صدر می‌نشاندند. ولی این مطالب مجله‌ی ما شاید یک ساز ناکوک باشد در میان هیاهوی سازی که غالب است و من به آن سوسیالیسم و دولت‌گرایی می‌گویم. الان که دارم این یادداشت را می‌نویسم بحث‌هایی که در اقتصاد ما جریان دارد در این مورد است که به مردم پارانه‌ی نان بدهیم یا پولش را مستقیم بریزیم به حسابشان. ماکارونی از کجا گیر می‌آوریم و با کد ملی، نان ارزان می‌دهند یا نه. بعد، چشم‌ت به مطالب این شماره‌ی مجله می‌افند که مسیر معکوسی در این روند سوسیالیستی اقتصاد مملکت است و تو کویس مثل آواز خواندن در حمام است که فقط خودت می‌شنوی و به‌به و چه چه می‌کنی و بی...

کاش اقتصاد و معیشت جامعه‌ی ما برآیند دستاوردهای کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ و متوسط بود و ایشان با آموزش و خلاقیت، بازارهای محلی و ملی و بین‌المللی را فتح می‌کردند و نام ایران را به صدر می‌نشاندند



سال‌هاست که در همین مجله نوشته‌ایم که این‌قدر بر تصور این کتک‌خور کتابی مدرک‌محور ضد مهارت ندهید که جز استخدام آن هم از نوع دولتی و انبوه و بی‌توجه به مهارت تسری ندارد. این‌قدر این سُمی به‌نام «استخدام رسمی دولتی» را به‌عنوان آرمانی برای نوجوانان جوانی آینده‌ی بهتر علم نکتید و آدرسی تا این حد پرت و غلط به این بندگان خدا ندهید. این‌قدر نگویید که دولت باید هوایت را داشته باشد و در ممالک متروقی چنین و چنان است و حواست باشد که بیمه‌ات ماه به ماه رد شود که در پیری و کوری به کازت می‌آید.

فضای کلی جامعه‌ی ایران چنان غرق در سوسیالیسم شده است که مفاهیم مطرح‌شده در این مجله چون یک موضوع زینتی و جانی به چشم می‌آید. علم

شغلی و حرفه‌ای در ایران در دو فضا سیر می‌کنند فضای اوله اگر خوش‌شانس باشی در یک شرکت دولتی استخدام رسمی می‌شوی، اگر نه یک شرکت بزرگ خصوصی (بزرگ تقریباً نداریم) و اگر نشد چاره‌ای نیست و باید سراغ یک شرکت خصوصی کوچک بروی که حیات و معاش وابسته به اعضای یک بروکرات دولتی است که در عمرش محض رضای خدا یک چک هم پاس نکرده است و سر ماه به سر ماه حقوق دولتی‌اش را گرفته و دلتش فرس شده البته اگر امضافروشی نکرده باشد که در کشورهای نا این حد دولتی‌ها در اقتصاد مرسوم است و اسمش هر چه می‌تواند باشد جز تجارت و کار آفرینی

اگر این‌ها جواب نداد، وارد فضای دوم می‌شوند با تقدینگی سیل آسایی که بروکرسی ناکارآمد دولتی فراهم کرده، یکروز با سرمایه‌ی اولیه سراغ بورس می‌روند و روز دیگر سراغ ارز و بعدش هم ویز ارز و در نهایت هم اگر هیچ کدام از این‌ها جواب نداد، گرفتن سود بانکی از این بانک‌های دولتی بدورشکنه.

کم‌تر کسی دنبال این است که فضای خالی پرتفاتی‌های را در بازار شناسایی کند و سراغ راهاندازی کسب‌وکار شخصی خودش برود بیاموزد و به کار بپرد و هم خود را متحول کند، هم در خود اقتصاد مملکت را، تصمیمی هم ندارند فضای عمومی جامعه این‌گونه است و در ادامه‌ی این یادداشت می‌خواهم به این بپردازم که چرا این‌گونه است.

به گمانم در جامعه‌ی ایرانی یک فداست عجیبی در مورد سوسیالیسم و دولتی‌گری در اقتصاد وجود دارد هر چند که در این سال‌ها لیبرالیسم، فحش‌خور ملی شده، برعکس سوسیالیسم انگار همان مدینه‌ی فاضله است که می‌گویند شرایط کنونی چه بسیار فاصله دارد با آن مطلوب محبوب چند وقت پیش با یکی از استادان عزیز و مطرح در مورد اقتصاد کشور صحبت می‌کردم و گفتیم به نظر من آسیب اصلی در اقتصاد مملکت این حجم از سوسیالیسم افراطی است که مجال و تنفسی برای کار آفرینی ملی و مستقل از دولت باقی نگذاشته است. آن استاد ضمن این که منتقد وضعیت اقتصادی فعلی بود، به من گفت، «اولا من در این وضعیت، سوسیالیسمی نمی‌بینم».

مردم ما به خصوص نخبگان ما تا اسم سوسیالیسم می‌آید، یاد شوند و نرویز و اسکندریانوی می‌افتند و می‌گویند مگر آن‌ها چه عیبی دارند که این قدر به سوسیالیسم بدویبراه می‌گویند. معمولاً در جواب به این نکته اشاره می‌کنم که این حجم از سوسیالیسم افراطی در این مملکت قابل مقایسه با ونزوئلا و چند کشور شبیه به آن است و اگر یک کشور اسکندریانوی پیدا شود که در شرایطی که دولتش به جای پرداختن به مسائل کلان، درگیر قیمت‌گذاری تخم‌مرغ و گوشت است و کوسفندی و خیابان سرچالیز است (انگار که کارگزاران دولت، متعهدان یک بنالی با ضایع‌مارکت هستند، آن وقت کل حرفشان را در مورد این نگاه قدسی گونه به سوسیالیسم پذیرا می‌شوم.

در این یادداشت در پی آنم که نشان دهم تا از این سوسیالیسم و دولتی‌گری در اقتصاد دست برداریم (در تئوری و عمل) این بحث‌های مهم آموزش کار آفرینی در

کم‌تر کسی دنبال این است که فضای خالی پرتفاتی‌های را در بازار شناسایی کند و سراغ راهاندازی کسب‌وکار شخصی خودش برود. بیاموزد و به کار بپرد و هم خود را متحول کند، هم در خود اقتصاد مملکت را

در این پادداشت در
پی‌آتم که نشان
دعد تا دست از
این سوسیالیسم
و دولت‌گرایی در
اقتصاد برداریم
(در تنوری و عمل)
این بحث‌های مهم
آموزش کارآفرینی
در این مجله و آثار
مشابهی که در این
زمینه منتشر
می‌شوند، چرخه‌ی
تاثیر خود را
کامل نمی‌کنند و
به اصطلاح، ریپ
می‌زنند

این مجله و آثار مشابهی که در این زمینه منتشر می‌شوند، چرخه‌ی تاثیر خود را کامل نمی‌کنند و به اصطلاح، ریپ می‌زنند. چرا می‌گوییم سوسیالیسم سم است و دشمن حیات طبیعی یک جامعه؟ بگذارید با یک مثال توضیح دهم.

مثال نگاه عمومی این است که شیر برای بدن انسان بسیار مفید است و باید تعداد بیش‌تری از افراد جامعه به صورت روزانه شیر مصرف کنند تا جامعه‌ای سالم داشته باشیم. حالا برای این که بتوانیم دسترسی آحاد جامعه به شیر را تسهیل کنیم، دولت به میانه‌ی میدان می‌آید و می‌گوید من با پولی که در اختیار دارم (در ایران، پول نفت یا بهتر است بگویم پول سابق نفت) به آن سویسید (پارانه) می‌دهم که آن را ارزان کنم تا عموم جامعه آن را مصرف کنند. دستش درد نکند چه دولت باسرام و خبیری. در ادامه نشان می‌دهم این ایده‌ی متعدالی چگونه باعث می‌شود که فحطی شیر در ملکیت پدید آید.

وقتی دولت به شیر سویسید می‌دهد، دو معنا دارد یک معنایش این است که در لحظه‌ی فعلی، قیمت شیر برای عموم اقلتر از جمله قشر آسیب‌پذیر ارزان شده است. معنای دومش این است که سرمایه‌گذاری مردمی و خصوصی در این حوزه منتفی‌ست. چون دولت به خاطر نفع عمومی جامعه از سود چشم‌پوشی کرده و حتی ضرر را به جیب خریده است تا همگان شیر بخورند. در این صورت یک سرمایه‌گذار خصوصی که به قصد سودآوری به تولید شیر می‌پرداخته است، کنار می‌رود دولت هم که به چشمه‌ی آب گر وصل نیست، پولش را با از مطالبات‌دهنده می‌گیرد که هر چقدر بیش‌ترش کند رکود را عمیق‌تر می‌کند و احتمالاً باعث خروج سرمایه می‌شود یا از جایی مثل پول نفت نامینش می‌کند که قیمتش بالا و پایین و تحریم و هزار درد بی‌دردمان دارد همین‌ها باعث می‌شود پول‌پاشی دولت در این حوزه حدمی داشته باشد و زورش تا جایی به نیاز بازار برسد مضاف بر این که ارزانی یک محصول با سویسید و راهکارهای نابازار، به از دیدار مصرف‌دهان می‌زند که این باعث می‌شود زور دولت برای ارزان‌سازی سویسیدی، کم و کم‌تر شود.

نتیجه چه خواهد شد؟ دولت از یک‌جا به بعد، زورش به این پول‌پاشی نمی‌رسد تقاضا برای شیر هست. ولی تامین‌کننده‌ی نیست که این تقاضا را تامین کند دولت از حجم تعهد به ارزان‌سازی همه چیز، ناسور شده و یک گوشه افتاده و سرمایه‌گذاری خصوصی هم از خیلی قبل‌تر وجود نداشته که بخواند جای خالی دولت را پر کند کار به این‌جا می‌رسد که قیمت شیر سر به فلک می‌گذارد و لروزی کفکشانی پیدا می‌کند که حتی اقلتر بر خوردار هم نمی‌توانند تهیه‌اش کنند و بتوشند، دیگر چه برسد به اقلتر آسیب‌پذیر با حداقل معیشت.

جای شیر بگذارید بزمین، ماکارونی، گندم و حتی خدمات پزشکی و آموزشی سال‌هاست که سوسیالیست‌ها و نیمه‌سوسیالیست‌ها می‌گویند که حساب آموزش و بهداشت از بقیه‌ی منابع جدالت و این موارد، ملک مطلق دولت است و بخش خصوصی در آن‌جاها هر چه کم‌تر باشد، بهتر است. دلسوز هم هستند، ولی این مونسوخ بدبسی را نادیده می‌گیرند که بخش مهمی از بهداشت و آموزش، تکنولوژی‌ست. در تاریخ بشر، هیچ دولتی سازنده و مخترع کلانی تکنولوژی‌یک

نبوده. کارآفرینان ساخته‌اند و دولت‌ها همچون عموم مردم استفاده کرده‌اند. کارآفرینان هم به‌فصد سود ساخته‌اند و عرضه کرده‌اند که رسول رحمت^ص فرمود: «الکاسب حیبا لله». وقتی دولت تا این حد در آموزش و بهداشت دخالت می‌کند، سرمایه‌گذاری در این حوزه‌های تکنولوژیک مرتبط با این صنایع به صفر میل می‌کند. نتیجه این می‌شود که خدمات موجود به سرنوشت همان ارزان‌سازی کنایسی شیر دجار می‌شوند. در همین کرونا همان تکنولوژی که باعث و بانس اهلپیکشتی به‌نام «شاده» بود، به کار نظام آموزشی دولت‌زده و فشل ما آمد تا آموزش بچه‌های مردم در این مملکت نخواست ادوستی به طعنه می‌گفت. «سرمایه‌داری در خدمت سوسیالیسم». حالا مجسم کنید اگر دولت می‌آمد و صنعت اینترنت و دیجیتال را ملی می‌کرد یا برای کالاهای و خدمات دیجیتال سقف قیمت می‌گذاشت و ارزان‌سازی مصنوعی می‌کرد (باز هم ماجرای شیر)، چه بلایی که سر نظام آموزشی مملکت در طول دو سال‌خورده‌های کرونا که نمی‌آمد.

راه ارزان‌سازی واقعی، دمیدن بر تنور رقابت است. کم کردن از قوانین و بی‌طرفی‌بودن دولت. هر نوع رقابت واقعی و بدون رانت و امتیاز نهایتاً به ارزان‌سازی واقعی می‌رسد. اقتصاددانی از هندوستان می‌گفت: این که دولت، برق را بیک کالای استراتژیک اعلام کرده بود که باید عموم مردم از نعمت آن استفاده کنند این کالای استراتژیک را در سطحی دولت فرار دادند در عوض، موبایل را بیک کالای تا حدی غیرضروری قلمداد کردند که حالا، بودنیبودش خدای ناکرده مردم را که نمی‌کنند آن اقتصاددان می‌گفت در حال حاضر در هند وضعیت به گونه‌ای شده که به هر ده‌گروه‌های مسروبی جوانان و پیران موبایل به‌دست هستند، ولی در استراتژیک‌ترین نقاط شهری به ساعت نمی‌گردد که برق دوباره و دوباره قطع می‌شود.

در این نوشتار هدفم این بود که بگویم تا خودرو سازی ما، تا صنایع غذایی ما تا آموزش ما و صنایع دیگر ما این همه آمیخته به دولنگرایی با خصولت گرایستی، کاری به‌معنای واقعی کلمه به پیش نمی‌رود. معتقدیم مطالبی همچون مطالب مجله‌ی پنجره‌ی خلافت می‌تواند اقتصاد عمومی بیک مملکت را از قرش به قرش برساند، قسط اگر این همه روشنفکران و سیاستمداران و حتی بسیاری از اقتصاددانان ما این همه مجذوب ایده‌ی سوسیالیسم نباشند (خدا لعنت کند این حزب سوده‌ی چند دهه قبل را). معتقدم چیزی به‌نام سوسیالیسم، وجود خارجی ندارد. سوسیالیسم یعنی سرمایه‌داری دولتی سرمایه‌داری بروکرات‌های دولتی که صرفاً در فرایند ارزان‌سازی مصنوعی دولتی و توزیع آن، به مال و متالی دست پیدا کرده‌اند و همینان مخالفان آشکار و پنهان اقتصاد رقابتی و کارآفرینی مبتنی بر خلافت^ص و غیر رانتی هستند. به دیگران انگ لیبرال و نتولیبرال می‌زنند و از تهبیج و ترساندن مردم عادی غایب چنین ایده‌هایی هم هیچ ابایی ندارند. تا چرخ بر این مشوال است. تحول واقعی اقتصاد ناممکن به‌نظر می‌رسد و اگر جز این باشد آن وقت باید بگویم این مطالب آموزشی در مورد کارآفرینی که در ادامه می‌خوانید، چه کارستانیست برای ایران مسان.

راه ارزان‌سازی

واقعی، دمیدن بر

تنور رقابت است.

کم کردن از قوانین و

بی‌طرفی‌بودن دولت.

هر نوع رقابت

واقعی و بدون رانت

و امتیاز نهایتاً به

ارزان‌سازی واقعی

می‌رسد

مجله‌ی پنجره‌ی خلاقیت رسانه‌ی کارآفرینان و مدیران
خلاق و مستقل ایرانی‌ست که جدیدترین آموزه‌های
بیشرفت و تحول فردی و سازمانی در ایران و جهان را در
اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد.

«کتاب رونق» عنوان ویژه‌نامه‌ی فصلی مجله با همکاری
انتشارات نگاه‌نوین است که در آن می‌توانید آثار بهترین
نویسندگان ایران و جهان را در سوره‌روندهای کامیابی
فردی و شرکتی مطالعه کنید. در «کتاب رونق» قصد داریم
مخاطبان هم‌دل‌مان را به دانشی کاربردی در سوره‌روندهای
تحول‌بخش فردی و تجاری جهان امروز مجهز کنیم تا
خود بهترین‌ها را در مدیریت عمر و زندگی رقم زنند در
این مسیر با ما همراه باشید.

نگاه
نوین

